

## بررسی تربیت اجتماعی از منظر معلمان و مبانی نظری تحول بنیادین در جمهوری اسلامی ایران

علی شیروانی شیری\*

زهرا عسکری\*\*

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تربیت اجتماعی از منظر مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران و فهم معلمان از تربیت اجتماعی بود. داده‌یابی این پژوهش در پارادایم کیفی و به دو شیوه اسنادی و مصاحبه انجام گرفت. اسناد شامل مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران بود. نمونه مورد مطالعه در بخش مصاحبه، معلمان دوره متوسطه اول ناحیه دو شهر شیراز بود. پژوهش‌گران با رویکردی توصیفی-تفسیری و با تکیه بر روش تحلیل محتوای استقرایی به مطالعه و تحلیل داده‌ها پرداختند. با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان گفت بین دو دیدگاه مطرح شده در حدود و قلمرویی که برای تربیت اجتماعی قائل شده‌اند اشتراکاتی وجود دارد. در هر دو دیدگاه به پرورش مهارت‌های ارتباطی، رعایت هنجارها و قوانین توجه شده است. البته بررسی دیدگاه معلمان نشان می‌دهد که نگاه آنها نسبت به تربیت اجتماعی براساس تجربه شخصی و مطالعاتی است که در این زمینه داشته‌اند.

واژگان کلیدی: تربیت اجتماعی، مبانی نظری تحول بنیادین، دیدگاه معلمان.

## مقدمه

انسان موجودی چند بعدی و دارای نیازهایی متنوع است. سلسله نیازهای فردی اش او را از دیگران متمایز می‌سازند و سلسله نیازهای اجتماعی اش او را به موجودی اجتماعی تبدیل می‌کنند. تربیت اجتماعی یکی از مهم‌ترین اهداف هر برنامه‌رشدی است و دانشمندان تعلیم و تربیت برای استفاده از ابزارهای لازم برای بهینه ساختن بستر مناسب به منظور ارتقای رشد اجتماعی کودکان در طول دوران رشد، تلاش می‌کنند.

موضوع تربیت اجتماعی با توجه به پیچیده بودن و چند بعدی بودن، در رشته‌های مختلف علوم انسانی و از دیدگاه‌ها و زوایای مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و فیلسوفان تعلیم و تربیت نیز هر یک از زاویه دید خود، آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند که می‌توان مبانی آن را در اندیشه افرادی چون پیاژه،<sup>۱</sup> فروید،<sup>۲</sup> اریکسون،<sup>۳</sup> کولی،<sup>۴</sup> مید،<sup>۵</sup> و دیگران یافت. عوامل متعددی از جمله خانواده، رسانه‌ها، همسالان و مدرسه در تربیت اجتماعی افراد مشارکت دارند و می‌توان گفت هر کدام از این عوامل به شکلی در جریان تربیت اجتماعی فرد نقش دارند. جریان اجتماعی شدن به دو صورت انجام می‌گیرد؛ گاهی زندگی گروهی خود به خود، فرد را اجتماعی می‌کند، چنان‌که رفتار پدران و مادران بی‌آنکه خود آنان متوجه باشند، سرمشق رفتار کودکان می‌گردد. گاهی گروهی عمداً به جامعه‌پذیر کردن فرد می‌پردازند، چنان‌که مدرسه آگاهانه هنجارهای زندگی گروهی را به کودک می‌آموزد (آگبرن و نیم‌کف، ۱۳۸۱).

از دیر باز تربیت اجتماعی فرزندان از کارکردهای مهم نهاد خانواده بوده و هست. ولی از سویی، با همگانی شدن و اجباری شدن آموزش و پرورش و از سوی دیگر، با اوج‌گیری انقلاب صنعتی و پیشرفته شدن و پیچیده شدن جوامع، امر جامعه‌پذیری امروزه بیشتر بر عهده نهاد آموزش و پرورش است.

امروزه مدرسه همچون خانواده، یک واحد اجتماعی است و در ساخت شخصیت اجتماعی فرد بسیار مؤثر است؛ زیرا به وسیله آن فرد راه و رسم زندگی و طرز معاشرت با دیگران را می‌آموزد و از طرفی مفاهیم عمده تربیت اجتماعی از جمله، رقابت، همکاری، سازگاری، توافق و ده‌ها مؤلفه

---

1. Jean Piaget.

2. Sigmund Freud.

3. Ericsson.

4. Charles Horton Cooley.

5. George Herbert Mead.

تربیتی دیگر که به نوعی شخصیت اجتماعی کودکان را شکل می‌دهد در همین دوران آموزشگاهی تحقیق می‌یابد (کریمی، ۱۳۷۵).

تربیت اجتماعی یکی از ارکان و ابعاد اساسی تربیت را تشکیل می‌دهد. این بعد از تربیت، به لحاظ گستردگی، پیچیدگی و جامعیت، پوشش‌دهنده تمام نهادهای اجتماعی تربیتی مشرف بر امر تعلیم و تربیت افراد است که هم رشد شخصیت فردی را به همراه دارد و هم میراث فرهنگی را به نسل آینده منتقل می‌کند. می‌توان گفت زمینه‌سازی و کمک به اجتماعی شدن صحیح کودکان و نوجوان و آموزش مهارت‌های لازم به آنان، همواره یکی از اهداف عالی نظام تعلیم و تربیت به‌شمار می‌آید. دستیابی به این هدف، موجب سازگاری و ایجاد ارتباط سالم و صحیح کودکان و نوجوانان با اطرافیان می‌شود؛ و از این رهگذر آنان خواهند توانست توانایی‌های بالقوه خود را شکوفا کنند.

تربیت اجتماعی کودکان و نوجوانان در قلمرو آموزش و پرورش، با استفاده از کتاب‌های درسی صورت می‌گیرد که در آنها، بر مفاهیم اساسی اجتماعی شدن تأکید می‌گردد. دانش‌آموزان همچنین از طریق برخوردهای اجتماعی با همسالان، معلمان و مربیان، چگونگی روابط اجتماعی را فرا می‌گیرند. در واقع مدرسه افزون‌بر برنامه‌های آموزش رسمی و مدون در یک سطح دقیق‌تر، اجتماعی کردن را در خلال برنامه‌های پنهانی که در محتوای فعالیت‌های مدرسه و کلاس درس نهفته است، انجام می‌دهد (رابرتسون، ۱۳۷۴). تربیت اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس تحت تأثیر عواملی از جمله: الف) دیدگاه‌های سیاست‌گزارانی که در تدوین اسناد کلی نظام آموزش و پرورش نقش دارند؛ ب) متخصصان برنامه درسی که در تدوین کتب درسی نقش دارند، و ج) مجریان امر تعلیم و تربیت که همان معلمان هستند قرار دارد. با توجه به اهمیت این دیدگاه‌ها در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان، مسئله پژوهش این است که الف) در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش چه اهداف و جایگاهی برای تربیت اجتماعی در نظر گرفته شده است؟ ب) معلمان تا چه اندازه به اهمیت نقش خود به‌عنوان عاملان تربیت اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس آگاهی دارند و چه درکی از مفهوم تربیت اجتماعی و کارکردهای متفاوت آن دارند؟

جامعه‌شناسان جنبه اجتماعی تعلیم و تربیت را مهم‌ترین جنبه آن تلقی کرده‌اند. از نظر امیل دورکیم<sup>۱</sup> آموزش و پرورش واقعیت اجتماعی است که بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارد. نقش آموزش و پرورش، وارد کردن و جا دادن فرد در نظام اجتماعی است تا حالت و ویژگی‌های جسمانی، ذهنی و اخلاقی مورد انتظار گروه اجتماعی خاص یا به‌طور کلی جامعه را در وی به‌وجود آورد (علاقه‌بند، ۱۳۸۲). در این تعریف، جنبه اجتماعی تعلیم و تربیت محور اصلی می‌باشد.

1. Emile Durkheim.

یافته‌های پژوهش‌هایی که در ارتباط با موضوع تربیت اجتماعی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران به سرانجام رسیده است مؤید این مطلب است که این نظام تربیتی در بعد تربیت اجتماعی با مسائلی مواجه است. برای مثال میزان مهارت‌های اجتماعی موجود در کتب تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی، در مجموع حد متوسط و متوسط به پایین بوده و تعداد و درصد مقوله‌های مهارت‌های اجتماعی در کتاب‌های سال اول بیش‌تر از سال دوم و سال دوم بیش‌تر از سال سوم می‌باشند (حسینی نسب و دهقانی، ۱۳۸۷). همچنین میزان آموزش مفاهیم تربیت شهروندی در قالب مؤلفه‌های شهروندی؛ شامل حقوق، تکالیف، عدالت و برابری، مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی و سواد سیاسی در سطح متوسط و کمتر از حد انتظار بوده است (هاشمی، ۱۳۸۹).

مبانی نظری و فلسفه تربیت در هر نظام تربیتی با تبیین چرایی، چیستی و چگونگی تربیت، درحقیقت نقشه راه کلی آن نظام تربیتی را پیش‌روی عاملان تربیت قرار می‌دهد. برنامه‌ریزان درسی و مؤلفان کتب درسی و معلمان مخاطبان اصلی مبانی نظری و فلسفه تربیت هستند. چنانچه در یک نظام تربیتی بین این عوامل یعنی مبانی نظری و فلسفی، مؤلفان کتب درسی و معلمان تلائم و هماهنگی وجود داشته باشد، میزان توفیق آن نظام بالاتر خواهد بود. قسمت عمده‌ای از اهداف آموزش و پرورش در هر نظام تربیتی، هدف‌های اجتماعی است. مدرسه سهم عمده‌ای در تربیت اجتماعی افراد دارد. با توجه به نقش و اهمیت مهم نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی، پژوهشگران به ضرورت انجام پژوهشی که دیدگاه مبانی نظری تحول بنیادین و معلمان را در خصوص تربیت اجتماعی بررسی کند، پی بردند. با بررسی و آگاهی از این دیدگاه‌ها می‌توان بسیاری از چالش‌ها در مسیر تربیت اجتماعی که از طرف سیاست‌گزاران، معلمان و برنامه‌ریزان وارد است را شناسایی کرد و با دیدی علمی‌تر به اصلاح وضعیت تربیتی موجود پرداخت.

### پیشینه پژوهش

با بررسی اسنادی پژوهش‌های داخلی که در زمینه تربیت اجتماعی صورت گرفته است، می‌توان آنها را در سه دسته طبقه‌بندی کرد:

الف) پژوهش‌هایی که به تربیت اجتماعی از منظر آموزه‌های دینی و کتب تربیت اسلامی پرداخته‌اند. مرزوقی، اناری‌نژاد (۱۳۸۶)، اهداف، اصول و روش‌های تربیت اجتماعی از منظر نهج‌البلاغه را مورد بررسی قرار دادند. بهشتی و افخمی‌اردکانی (۱۳۸۶) نیز به تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج‌البلاغه پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از این است که تربیت اجتماعی مورد

نظر حضرت علی (علیه السلام) به معنی سازگار شدن فرد با سنن و خواست‌ها و ارزش‌های موجود در جامعه نیست، بلکه یادگیری برقراری رابطه صحیح با مردم و با خدا، برای کسب رضایت خدا می‌باشد. ملا سلیمانی؛ قائمی و بهشتی (۱۳۸۹)، نیز مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه، را بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تربیت اجتماعی فراگردی است که به فرد کمک می‌کند تا با ارزش‌های اجتماعی که فی‌نفسه معقول و مطلوب‌اند آشنا شده و با آن دسته از امور و ارزش‌ها و وظایفی که برخلاف تربیت الهی و اسلامی است، قطع رابطه کند (احمدی، ۱۳۸۷) نیز تواضع، خودشناسی، انتقادپذیری، فروتنی و ترک غرور، محبت و دوستی با مردم، خدمت به خلق، نوع دوستی را از اهداف تربیت اجتماعی از دیدگاه سعدی بیان کرده است؛

ب) دسته دیگر پژوهش‌هایی هستند که از منظر کتاب‌های درسی، برنامه‌درسی و عملکرد مدارس به تربیت اجتماعی پرداخته‌اند. نصر اصفهانی، فاتحی‌زاده و فتحی (۱۳۸۳)، جایگاه مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز دانش‌آموزان در کتاب‌های دروس عمومی دوره متوسطه را مورد کنکاش قرار داده‌اند. مهم‌ترین مهارت‌های اجتماعی که کتاب‌های عمومی دوره متوسطه به آنها پرداخته‌اند عبارت است از: مهارت‌های ارتباطی (۲۴ درصد)، مهارت درک ارزش‌های اجتماعی (۱۹/۷ درصد)، مهارت‌های خودگردانی (۱۶/۳۲ درصد) مهارت‌های مقابله‌ای و اصلاح باورها و شناخت‌های غلط (۱۲/۳۱) مهارت‌های جرأت‌ورزی (۱۰/۸۹ درصد) و مهارت مسئولیت‌پذیری (۹/۶ درصد). فاتحی‌زاده، نصر اصفهانی و فتحی (۱۳۸۴) معتقدند که اگر مدرسه بخواهد عملکرد واقعی و مؤثری در انتقال همه مهارت‌های ضروری اجتماعی به دانش‌آموزان داشته باشد، باید برنامه‌های مدون و طرح‌های قابل اجرا در این زمینه داشته باشد. حسینی‌نسب و دهقانی (۱۳۸۷)، محتوای کتب تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی را براساس مهارت‌های اجتماعی تحلیل کرده و با بررسی دیدگاه‌های دبیران این دوره متوجه شدند که میزان مهارت‌های اجتماعی موجود در این کتب، در مجموع حد متوسط و متوسط به پایین بوده است و کتاب‌های تعلیمات اجتماعی متوسطه اول وضعیت نامناسبی دارد. دهقانی و خندقی (۱۳۹۰)، پیشنهاد می‌کنند که جهت طراحی یک الگوی مناسب برنامه درسی و تعیین رویکرد ارزشی مناسب با آن، باید از مبانی فرهنگی، فکری، اجتماعی، تاریخی و بومی هر کشوری استفاده شود. عابدی و نیلی (۱۳۹۲)، نیز بر این باورند که بسیاری از اهداف تربیت اجتماعی ایران با تمسک به دیدگاه علامه طباطبایی قابل تبیین است؛

ج) دسته سوم پژوهش‌هایی که برخی از ابعاد مختلف تربیت اجتماعی را آسیب‌شناسی کرده‌اند. صالحی (۱۳۸۰) به آسیب‌ها و کارکردهای نامناسب جامعه‌پذیری در نظام آموزشی اشاره می‌کند: از جمله اینکه کارگزاران به دلایل مختلف فاقد مهارت، نگرش، صلاحیت و انگیزه‌های

لازم در امر تعلیم و تربیت هستند و به جای پرورش تفکر و اندیشه و روحیه انتقاد، بر پرورش حافظه تأکید می‌شود و این روش شخصیت مطلق‌گرا پرورش می‌دهد. کریمی (۱۳۸۴) نیز تربیت اجتماعی را آسیب‌شناسی نموده و بیان می‌کند که دیدگاه‌های رایج، هدف تربیت اجتماعی را هنجارپذیر کردن کودکان و نوجوانان می‌دانند. او این نوع تربیت را با ساختار شخصیت و تعریف فعال و خلاق آن مغایر می‌داند.

بررسی پیشینه پژوهش‌هایی که تاکنون در این زمینه انجام شده است، هر کدام با محدود کردن موضوع گسترده و جامع تربیت اجتماعی، از زاویه محدود نظری یا عملی به این موضوع پرداخته‌اند. در پژوهش‌های دسته اول تربیت اجتماعی تنها از منظر آموزه‌های دینی و کتب تربیت اسلامی یعنی بعد نظری بحث و بررسی شده است. در پژوهش‌های دسته دوم نیز از منظر کتاب‌های درسی، برنامه درسی و عملکرد مدارس کنکاش شده است. پژوهش‌های دسته سوم نیز به آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر افزون بر مطالعه جنبه نظری (نگاه مبانی نظری تحول بنیادین)، به میدان‌گاه عمل (معلمان) نیز توجه کرده است. و با دیدی جامع‌تر نسبت به پژوهش‌های پیشین در ارتباط با تربیت اجتماعی، به این موضوع مهم می‌پردازد.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر با استناد به دیدگاه کرسول<sup>۱</sup> (۱۹۹۴)، پژوهشی کیفی است. در این پژوهش، گردآوری داده‌ها به دو روش الف) مصاحبه، و ب) بررسی اسناد و مدارک است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند<sup>۲</sup> است؛ یعنی نمونه‌ای که در آن دو اصل حداکثر تنوع<sup>۳</sup> و اشباع‌شدگی<sup>۴</sup> رعایت شده باشد (مایکات و مورهایس، ۱۹۹۴). نمونه مورد مطالعه در مصاحبه، معلمان دوره متوسطه اول ناحیه ۲ شهر شیراز بود. در انتخاب معلمان برای مصاحبه از معلمان مصاحبه‌به‌عمل آمده است که رشته تخصصی آنان مرتبط و دروس علوم اجتماعی تدریس می‌کردند و نقش آنان در تربیت اجتماعی بارزتر بود. مثلاً با ورود به مدرسه به مدیر مدرسه گفته می‌شد که در مدرسه شما از میان معلمان علوم اجتماعی کدام معلم در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان نقش بیشتری دارد. پژوهش‌گران تعداد ۲۰ نفر را برای مصاحبه کافی دانستند چون با این تعداد به نقطه اشباع رسیدند. نمونه مورد مطالعه در قسمت بررسی اسناد، مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

1. Creswell. John W.

2. Purposive Sampling.

3. Maximum Variation Sampling.

4. Saturation.

است. در واقع در بررسی اسناد و مدارک مورد مطالعه از روش تحلیل محتوای رابطه‌ای (پالمکوئیست،<sup>۱</sup> ۲۰۰۰ به نقل از مزیدی ۱۳۸۵) استفاده شد. بدین معنا که پژوهشگران پس از استخراج و تشخیص مفاهیم مربوط به تربیت اجتماعی از منبع مورد مطالعه، درصدد کشف روابط بین آنها و تعیین مقوله‌هایی که مفهوم تربیت اجتماعی را برساند برآمدند. برای پاسخ به پرسش مربوط به دیدگاه معلمان به روش داده مینا<sup>۲</sup> عمل شد. شیوه اجرا به این صورت بود که ابتدا مصاحبه شفاهی به صورت متن کتبی درآمد، ضمن آنکه متن مصاحبه‌ها کامل و بدون حذف کوچک‌ترین جزئیات مورد بررسی قرار گرفت. بعد از آن نکات کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش از متن مصاحبه‌ها به شیوه کدگذاری باز بیرون کشیده شد و کدهای مربوط به هر نکته تعیین شدند. در مرحله بعد با کنار هم قرار دادن نکات کلیدی و مقایسه مستمر آنها مفاهیم اولیه شکل گرفتند. سپس با استفاده از روش کدگذاری محوری مقوله‌های مرکزی تعیین گردیدند. بعد از انجام این مراحل پژوهشگران با تکیه بر مقوله‌های به دست آمده درصدد تفسیر دیدگاه معلمان در رابطه با تربیت اجتماعی برآمدند.

برای اعتمادسازی در این پژوهش، پژوهشگران از روش مسیر ممیزی و روش جمع‌آوری چندگانه اطلاعات استفاده کرده‌اند.

### یافته‌های پژوهش

**الف) دیدگاه مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت نسبت به تربیت اجتماعی**  
در این قسمت که مربوط به فهم تربیت اجتماعی از مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت است، پژوهشگران با مطالعه سند مذکور آنچه را که در مورد تربیت اجتماعی آمده است جمع‌آوری و توصیف کرده‌اند، و سپس با استفاده از روش مقایسه مستمر داده‌ها به طبقه‌بندی و تعیین مقولات متناسب با مفهوم تربیت اجتماعی از دیدگاه این سند پرداخته‌اند که در جدول شماره ۱ خلاصه شده است.

1. Palmquist.

2. Grounded Theory.

جدول ۱: استخراج مقوله‌های مرکزی از مفاهیم و نکات کلیدی

مقوله مرکزی	مفاهیم	نکات کلیدی مستخرج از متن سند
تأثیر متقابل فرد و جامعه	اجتماعی بودن انسان	<p>۱. وجود آدمی تا حدی قابل توجه از شرایط اجتماع تأثیر می‌پذیرد و هم می‌تواند با توسعه وجودی خویش، با دیگران ارتباط برقرار کند و اجتماع را تحت تأثیر خود قرار دهد.</p> <p>۲. انسان، به دلیل نیازمندی یا کمال‌جویی و به لحاظ ساختار شخصیت، موجودی اجتماعی است و هویت او تا حد قابل توجهی در عرصه زندگی اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود.</p> <p>۳. انسان می‌تواند با تکیه بر اراده فردی در برابر تأثیر اجتماعی مقاومت کرده و با شناخت جامعه و قوانین حاکم بر تحولات اجتماعی و عمل مناسب، تأثیر مثبتی بر نظام اجتماعی بگذارد (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱، ص ۷۰-۷۱).</p>
عدالت اساسی‌ترین ارزش اخلاقی و اجتماعی	رعایت حق و حقوق افراد	<p>۱. معیار عدالت رعایت حق و حقوق افراد است.</p> <p>۲. عدالت در معنای خاص آن، بر حسابگری و دقت در اعطا و حرمان مناسب حق هر کس و هر چیز، استوار است (همان، ص ۱۰۰-۱۰۳).</p>
	رأفت و احسان	<p>۱. اگر عدالت را در معنای بسیار عام آن، یعنی قرار دادن هر چیزی در جای خود بدانیم، در این صورت شامل رأفت و احسان نیز خواهد بود.</p> <p>۲. رأفت و احسان، فراتر از مواجهه دقیق و عادلانه و بخشش بالاتر از حق و افزون بر حساب و کتاب است (همان، ص ۱۰۰-۱۰۳).</p>
مشارکت و تعاون	مدرسه صالح	<p>۱. از خصوصیات مهم فضای مدرسه صالح مشارکت و تعاون است.</p> <p>۲. فضای حاکم بر محیط‌های تربیتی، به‌ویژه محیط‌های تربیت رسمی، باید به‌گونه‌ای باشد که شخصیت‌متریان را از شکل‌گیری فردگرایی و رقابت‌گرایی مخرب دور نگه دارد.</p>
اهداف تربیت اجتماعی	مفاهیم مربوط به هدف	<p>۱. بازشناسی، حفظ و اصلاح آداب، رسوم، هنجارها و ارزش‌های جامعه.</p> <p>۲. درک مناسب موقعیت اجتماعی و مواجهه خردمندانه با تحولات اجتماعی براساس نظام معیار اسلامی.</p> <p>۳. توسعه آزادی و مرتبه وجودی خویش.</p> <p>۴. آمادگی جهت تشکیل خانواده.</p> <p>۵. تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی.</p> <p>۶. بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی.</p> <p>۷. ارتقای ابعاد مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) هویت خویش به‌طور یکپارچه.</p> <p>۸. مشارکت جمعی مؤثر در حیات اجتماعی و سیاسی (همان، ص ۱۵۵).</p>
حدود و قلمرو تربیت اجتماعی	برقراری ارتباط و تعامل مناسب و کسب شناخت، مهارت و شایستگی	<p>۱. ارتباط مناسب با دیگران.</p> <p>۲. تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی.</p> <p>۳. کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی.</p> <p>۴. درک و فهم اجتماعی، مسالمت‌جویی، درک و فهم سیاسی، عدالت اجتماعی.</p> <p>۵. درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین‌المللی.</p> <p>۶. حفظ وحدت و تفاهم.</p> <p>۷. توانایی‌های زبان ملی (فارسی) محلی، جهانی (عربی و انگلیسی) است (همان، ص ۳۰۲).</p>



مقوله مرکزی	مفاهیم	نکات کلیدی مستخرج از متن سند
رویکرد تربیت اجتماعی	حضور فضیلت‌مدارانه در خانواده صالح و حضور فضیلت‌مدارانه در جامعه صالح	<p>۱. جهت‌گیری ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت برای عضویت فضیلت‌مدارانه در خانواده صالح و جامعه صالح است.</p> <p>۲. ارتباط با خانواده یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های ارتباط است.</p> <p>۳. زندگی خانوادگی، آمادگی برای آن و شکل‌گیری و تداوم این شکل از حیات اجتماعی از مؤلفه‌های اصلی و اساسی تربیت اجتماعی است.</p> <p>۴. توجه به نقش‌های جنسیتی مانند نقش پدری و نقش مادری.</p> <p>۵. تربیت رسمی و عمومی زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه صالح است (همان، ص ۳۰۳).</p>
اصول تربیت اجتماعی	مفاهیم مربوط به اصول تربیت اجتماعی	<p>۱. توجه به روابط سازنده‌تری و جامعه.</p> <p>۲. فراهم ساختن زمینه خروج متریبی از خودمحوری، خودکامگی و استبداد.</p> <p>۳. نگرستن به حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی به صورت دو عنصر مکمل.</p> <p>۴. مورد نظر قرار گرفتن فردیت ممتاز و متمایز آدمی و عزت متریبی و جامعه.</p> <p>۵. تأکید بر قانون‌مندی و قانون‌مداری.</p> <p>۶. توجه به شایستگی‌های پایه برای مشارکت فعال متریبان در حیات خانوادگی، مدرسه‌ای، اجتماعی و سیاسی.</p> <p>۷. توجه به شایستگی‌های پایه و ویژه برای تشکیل خانواده صالح.</p> <p>۸. توجه به بازیابی موقعیت خود در دامنه سنت‌های اجتماعی و در بستر فرهنگ و روابط اجتماعی و خانوادگی.</p> <p>۹. تأکید بر هویت مشترک و حفظ حدت ملی و انسجام اجتماعی.</p> <p>۱۰. تأکید بر اصل تولا و تبرا و ولایت‌پذیری.</p> <p>۱۱. تأکید بر ظلم‌ستیزی و عدم ظلم‌پذیری.</p> <p>۱۲. تأکید بر و گسترش عدالت در جهان.</p> <p>۱۳. تأکید بر مدارا و تحمل عقاید مخالف و خرده فرهنگ‌ها.</p> <p>۱۴. تأکید بر پرورش منش آزادگی در هویت متریبان.</p> <p>۱۵. طرد تفکیک میان دین و سیاست، حق و تکلیف، اختیار و وظیفه، عبادت و کار.</p> <p>۱۶. توجه به میراث ادبیات فارسی در جهت انتقال ارزش‌های اصیل اخلاقی.</p> <p>۱۷. توجه به میراث ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی در راستای ایجاد هویت مشترک ایرانی و اسلامی (همان، ص ۳۰۵).</p>

مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نقشه راهی است که براساس مبانی، اهداف و اصول آن، تمام فعالیت‌های فرایند تعلیم و تربیت معنادار شده و به سمت غایت مشخصی رهنمون می‌شود. در واقع سند چشم‌انداز ۲۰ ساله به‌عنوان نقشه جامع علمی کشور بر این مفهوم اساسی تأکید دارد که با مدارس سنتی نمی‌توان دانش‌آموختگان را برای زندگی فردا آماده است. در این سند، ساحت‌ها (ابعاد) تربیت، براساس

شئون حیات آدمی در شش گروه دسته‌بندی شده است. که این ابعاد عبارت‌اند از تربیت عبادی-اعتقادی و اخلاقی، تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت زیستی و بدنی، تربیت زیباشناختی و هنری، تربیت اقتصادی و حرفه‌ای و تربیت عملی و فناوری، که می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت در یک جامعه، تربیت اجتماعی است که کارکرد اجتماعی تعلیم و تربیت را نشان می‌دهد (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱).

از آنجایی که در این سند در ذیل اهدافی که برای تربیت اجتماعی در نظر گرفته شده است توضیحی نیامده است، پژوهش‌گران به مبانی نظری آن رجوع کرده تا بتوانند به دید جامع‌تری نسبت به تربیت اجتماعی از دیدگاه این سند دست یابند. در ادامه هر یک از مقوله‌های مرکزی و مفاهیم و نکات کلیدی مستخرج از متن سند (جدول شماره ۱) به صورت مبسوط، تشریح می‌شود.

#### ۱. توجه به تأثیر متقابل فرد و جامعه

در این مجموعه اولین نشانه‌ها از اشاره به تربیت اجتماعی را می‌توان در قسمت مبانی انسان‌شناسی یافت. «انسان موجودی اجتماعی است. لذا هم وجود آدمی تا حدی قابل توجه از شرایط اجتماع تأثیر می‌پذیرد و هم می‌تواند با توسعه وجودی خویش، با دیگران ارتباط برقرار کند و اجتماع را تحت تأثیر خود قرار دهد». در واقع انسان، به دلیل نیازمندی یا کمال‌جویی و به لحاظ ساختار شخصیت، موجودی اجتماعی است و هویت او تا حد قابل توجهی در عرصه زندگی اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود. یعنی بینش، گرایش، کنش و منش انسان از نظام فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اجتماع تأثیر می‌پذیرد. انسان همچنین می‌تواند با تکیه بر اراده فردی در برابر تأثیر اجتماعی مقاومت کرده و با شناخت جامعه و قوانین حاکم بر تحولات اجتماعی و عمل مناسب، تأثیر مثبتی بر نظام اجتماعی بگذارد. براین اساس از منظر اسلامی دیدگاه فردگرایانه و جامعه‌گرایانه، مورد تأیید نیست؛ بلکه دیدگاه معتدل و بینابینی که به فرد و جامعه، هر دو اهمیت می‌دهد مورد توجه است، به سخن دیگر، فرد و اجتماع در یکدیگر تأثیر متقابل دارند و سرنوشت این دو به هم گره خورده است. از این رو می‌توان دیدگاه سند تحول بنیادین در این زمینه را همان دیدگاه اسلامی که حد واسط جامعه‌گرایی و فردگرایی است (همان، ص ۷۰-۷۱) دانست. چرا که از سویی به اجتماع و تأثیر عمیق آن بر ساختار شخصیت فرد اشاره دارد و از سویی دیگر از استقلال فردی و تأثیر فرد بر اجتماع سخن می‌گوید.

## ۲. عدالت به عنوان اساسی‌ترین ارزش اخلاقی

در بخش مبانی ارزش‌شناسی، از عدالت به عنوان اساسی‌ترین ارزش اخلاقی و اجتماعی در نظام معیار اسلامی، سخن به میان آمده است و معیار آن را رعایت حق و حقوق افراد می‌دانند. گسترش رابطه عدل و پاگرفتن آن در روابط انسان با یکدیگر را حاصل پختگی فکری و پیشرفت فرهنگی و پیامد نبود آن، عقب‌ماندگی فکری، فرهنگی و ناتوانی و تکیه بر دیگران می‌داند. در توضیح این مفهوم آمده است: «اگر عدالت را در معنای بسیار عام آن، یعنی قرار دادن هر چیزی در جای خود بدانیم، در این صورت شامل رأفت و احسان نیز خواهد بود. اما عدالت در معنای خاص آن، بر حسابگری و دقت در اعطا و حرمان مناسب حق هر کس و هر چیز، استوار است. در حالی که رأفت و احسان، فراتر از این نوع مواجهه دقیق و عادلانه و بخشش بالاتر از حق و افزون‌بر حساب و کتاب است. تکمیل و اتمام روند تکوین و تعالی فرد و جامعه، در گرو آن است که، علاوه بر عدالت، رأفت و احسان نیز در روابط بشری واردگردد» (همان، ص ۱۰۰-۱۰۳).

## ۳. اهمیت مشارکت و تعاون در مدارس

در مبانی نظری سند تحول برای اینکه بستر لازم برای تحقق تربیت رسمی و عمومی مطلوب فراهم شود یک وضع مطلوب تحت عنوان مدرسه صالح در نظر گرفته شده است و با ترسیم ویژگی‌هایی برای آن سمت و سوی جهت‌گیری‌های نظام آموزش و پرورش را به سوی آن می‌کشاند. یکی از خصوصیات مهم فضای مدرسه صالح مشارکت و تعاون است. براین اساس فضای حاکم بر محیط‌های تربیتی، به‌ویژه محیط‌های تربیت رسمی، باید به‌گونه‌ای باشد که شخصیت‌مربی‌ان را از شکل‌گیری فردگرایی و رقابت‌گرایی مخرب دور نگه دارد. چون بنای مدرسه اساساً بر مبنای خیر و در راستای زمینه‌سازی برای انجام اعمال خیر است، از این‌رو همکاری در انجام خیرات اساساً بر تمامی ساز و کارهای مدرسه صالح حاکم است. همکاری در مدرسه در دو بعد درونی و بیرونی نمود می‌یابد:

الف. در بعد درونی همکاری بین مربیان و متریبان صورت می‌گیرد. به سبب تفاوت سطح تأثیرگذاری متریبان و مربیان در فرآیند تربیت رسمی و عمومی و مراحل آن، ساز و کارهای همکاری و تعاون در بعد درونی با اجتماع تفاوت خواهد داشت. این تفاوت در ویژگی «ساده‌سازی و انعطاف» مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌طورکلی تعاون در مدرسه امری تشکیکی است و مراتبی دارد، که به تناسب رشد متریبان تنظیم می‌شود. نمود همکاری در مدرسه می‌تواند برای تحقق حیات طیبه و آمادگی برای تحقق آن در عرصه اجتماع تجربه سازنده‌ای باشد. این ویژگی مصداق اصل تعامل است. همکاری در این بعد مستلزم احترام متقابل و مسئولیت متقابل اولیاء، مربیان و متریبان مدرسه است.

ب) در بعد بیرونی همکاری، مدرسه، که در واقع بخشی از جامعه محلی متناسب با ویژگی‌های پیش گفته است، می‌تواند در جریان اجتماعی ناظر به اصلاح مداوم موقعیت، فعال باشد، و مشارکت نماید و مشارکت بپذیرد. این مشارکت با نهادهای محلی و همچنین با مدارس هم‌جوار صورت می‌گیرد. یک بعد از این مشارکت به این صورت است که مدرسه محور توسعه جامعه محلی باشد. بعد دیگر اینکه مدرسه از همکاری نهادها و مؤسسات، که فراهم‌کننده فرصت‌های مکمل و جانبی برای توسعه و تعالی تجارب ارزنده یادگیری هستند، بهره‌مند گردد. این‌گونه مشارکت، افزون بر اینکه فرصت‌های تربیتی را برای مدرسه توسعه می‌دهد، باعث خواهد شد تا مدرسه محور توسعه محلی تلقی شود و نقش اصلی را در هدایت تغییرات اجتماعی بر عهده گیرد.

اگر چه تلاش مدرسه، برای فراهم آوردن زمینه‌های مناسب رشد و توسعه استعدادهای متریان صورت می‌گیرد؛ اما کاملاً مشخص است که مدرسه به حمایت و مشارکت دیگر نهادهای دولتی و غیردولتی نیز نیازمند است. یکی از جلوه‌های کانونی همکاری و تعاون در مدرسه، در نسبت و ثقی است که مدرسه و خانواده برقرار می‌کنند. در این نگرش، خانواده و مدرسه در فضای تربیتی مکمل همدیگر خواهند بود. با توجه به اینکه والدین، براساس مبانی حقوقی تربیت، باید نقش تعیین‌کننده‌ای در ساز و کارهای اجرایی تربیت رسمی داشته باشند، لازم است اولیا با معلمان و مدیریت مدرسه ارتباط مستمر داشته باشند و همواره مدرسه محل تردد آنان باشند.

#### ۴. اهداف تربیت اجتماعی

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تربیت اجتماعی و تربیت سیاسی در کنار هم قرار گرفته‌اند. اهدافی که برای این ساحت تربیت در نظر گرفته شده است به شرح زیر است.

۴-۱. بازشناسی، حفظ و اصلاح آداب، رسوم، هنجارها و ارزش‌های جامعه در پرتو نظام معیار اسلامی؛

۴-۲. درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه خردمندانه با تحولات اجتماعی و سیاسی براساس نظام معیار اسلامی، به‌منظور ساختن آینده‌ای روشن و تأثیرگذاری بر آینده خود و جامعه در سطح ملی و جهانی؛

۴-۳. توسعه آزادی و مرتبه وجودی خویش و دیگران در پرتو درک و اصلاح موقعیت اجتماعی خود و دیگران و برقراری رابطه سازنده و مناسب با ایشان براساس نظام معیار اسلامی و کسب صفاتی جمعی نظیر احسان، مهرورزی، انصاف، خیرخواهی، بردباری، وفاق، همدلی و مسالمت‌جویی؛

- ۴-۴. آمادگی جهت تشکیل خانواده و حفظ و تداوم آن به مثابه مهم‌ترین نهاد تحقق بخش جامعه صالح براساس ارزش‌های نظام معیار اسلامی؛
- ۴-۵. تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی و کسب شایستگی‌هایی نظیر رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی و پاسداشت ارزش‌های اجتماعی در جهت شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن براساس نظام معیار اسلامی؛
- ۴-۶. بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی، همراه با توجه به نیازهای حال و آینده جامعه و تلاش جهت تحقق واحده اسلامی براساس نظام معیار اسلامی؛
- ۴-۷. تلاش برای ارتقای ابعاد مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) هویت خویش به‌طور یک‌پارچه و براساس نظام معیار اسلامی؛
- ۴-۸. مشارکت جمعی مؤثر در حیات اجتماعی و سیاسی با رعایت اصول حق‌طلبی، حفظ کرامت و عزت، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، کسب و حفظ استقلال همه‌جانبه، مراعات حقوق و آزادی‌های مشروع دیگران، پیشرفت مردم‌سالاری دینی، بسط عدالت اجتماعی، حفظ وحدت و تفاهم ملی، تعامل میان فرهنگی و تفاهم بین‌المللی براساس نظام معیار اسلامی (همان، ص ۱۵۵).

## ۵. حدود و قلمرو تربیت اجتماعی

- ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متربیان را قادر می‌سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. قلمرو ساحت تربیت سیاسی شامل موارد زیر است:
- ۵-۱. ارتباط مناسب با دیگران؛
- ۵-۲. تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی؛
- ۵-۳. کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی (بردباری، وفاق، همدلی)؛
- ۵-۴. درک و فهم اجتماعی، مسالمت‌جویی، درک و فهم سیاسی، عدالت اجتماعی؛
- ۵-۵. درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین‌المللی؛
- ۵-۶. حفظ وحدت و تفاهم؛
- ۵-۷. توانایی‌های زبان ملی (فارسی) محلی، جهانی (عربی و انگلیسی) است (همان، ص ۳۰۲)؛

### ۶. رویکرد تربیت اجتماعی

جهت‌گیری ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت برای عضویت فضیلت‌مدارانه در خانواده صالح و جامعه صالح است. ارتباط با خانواده یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های ارتباط است که در شکل‌گیری بنیادهای هویت انسان‌ها نقشی انکار نشدنی دارد. براین اساس، زندگی خانوادگی، آمادگی برای آن و شکل‌گیری و تداوم این شکل از حیات اجتماعی از مؤلفه‌های اصلی و اساسی تربیت اجتماعی است. در تربیت رسمی و عمومی، صرف‌نظر از تأکید بر شایستگی‌های پایه، به نقش‌های جنسیتی مانند نقش پدری و نقش مادری نیز توجه جدی می‌شود. به‌طورکلی تربیت رسمی و عمومی، با توجه به ظرفیت‌های خود، برای دنبال کردن سیاست تشکیل و حفظ خانواده صالح و در راستای شکل‌گیری جامعه صالح، زمینه‌های لازم را دنبال خواهد نمود (همان، ص ۳۰۳)؛

### ۷. اصول تربیت اجتماعی

- ۱-۷. توجه به روابط سازنده‌ی تربیتی و جامعه؛
- ۲-۷. فراهم‌ساختن زمینه‌ی خروج تربیتی از خودمحوری، خودکامگی و استبداد؛
- ۳-۷. نگرستن به حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی به صورت دو عنصر مکمل؛
- ۴-۷. مورد نظر قرار گرفتن فردیت ممتاز و متمایز آدمی و عزت تربیتی و جامعه؛
- ۵-۷. تأکید بر قانون‌مندی و قانون‌مداری؛
- ۶-۷. توجه به شایستگی‌های پایه برای مشارکت فعال متربیان در حیات خانوادگی، مدرسه‌ای، اجتماعی و سیاسی؛
- ۷-۷. توجه به شایستگی‌های پایه و ویژه برای تشکیل خانواده صالح به مثابه مؤلفه اساسی و تداوم‌بخش حیات جامعه صالح؛
- ۸-۷. توجه به بازیابی موقعیت خود در دامنه سنت‌های اجتماعی و در بستر فرهنگ و روابط اجتماعی و خانوادگی با نگاهی‌گزینشی و اقدام برای اصلاح و بهبود مستمر آن؛
- ۹-۷. تأکید بر هویت مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) برای وحدت ملی و انسجام اجتماعی؛
- ۱۰-۷. تأکید بر اصل تولی و تبری و ولایت‌پذیری؛
- ۱۱-۷. تأکید بر ظلم‌ستیزی و عدم ظلم‌پذیری؛
- ۱۲-۷. تأکید بر رسالت جهانی و مسئولیت بشری و گسترش عدالت در جهان؛
- ۱۳-۷. تأکید بر مدارا و تحمل عقاید مخالف و خرده فرهنگ‌ها در سطح ملی و جهانی؛
- ۱۴-۷. تأکید بر پرورش منش آزادگی در هویت متربیان؛

۷-۱۵. طرد تفکیک میان دین و سیاست، حق و تکلیف، اختیار و وظیفه، عبادت و کار؛

۷-۱۶. توجه به میراث ادبیات فارسی در جهت انتقال ارزش‌های اصیل اخلاقی؛

۷-۱۷. توجه به میراث ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی در راستای ایجاد هویت

مشترک ایرانی و اسلامی (همان، ص ۳۰۵).

در پاسخ به این پرسش که در مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت چه دیدگاهی نسبت به تربیت اجتماعی وجود دارد، با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان دیدگاه این سند را از تربیت اجتماعی به شرح زیر بیان کرد:

در این سند به درک مفاهیم اجتماعی و سیاسی و احترام به قانون و اندیشه‌ورزی در آنها، شایسته شدن دانش‌آموز در رویارویی مسئولانه و خردمندانه با تحولات اجتماعی، رعایت وحدت و تفاهم ملی، روحیه مسئولیت‌پذیری و تعالی‌خواهی و برخورداری از مهارت‌های ارتباطی، در حیات خانوادگی و اجتماعی (در سطوح محلی تا جهانی) با رعایت اصول برگرفته از نظام معیار اسلامی، توجه شده است. در این سند وضع مطلوبی براساس مبانی و ارزش‌های اسلامی تحت عنوان جامعه صالح در نظر گرفته شده است که تکیه آن بر توجه به خدا در حالت تسلیم و رضا است. در این جامعه که مظهر تحقق بعد اجتماعی حیات طیبه است ارتباط میان اعضای جامعه به ارزش‌های انسانی و اخلاقی، معرفت، محبت، و اطاعت از خدا معطوف است. در چنین جامعه‌ای روابط ظالمانه و نژادپرستانه طرد می‌شود و بر توحید ربوبی که اساس تکوین و گسترش روابط اجتماعی است تأکید می‌شود. سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت اهمیت توجه کردن به مباحث ارزشی و اخلاقی و لحاظ کردن آنها در این نوع تربیت را به این دلیل می‌داند که اخلاق به منزله آیین‌نامه‌ای است که انسان را، به لحاظ انسان بودن، موظف می‌سازد آن را رعایت کند. دین که در واقع سپهر فراگیر تمام ساختارها و ساز و کارهای اجتماعی و سیاسی است باید مورد نظر قرار بگیرد و نقش بی‌بدیل خود را در هدایت و اعتلای مناسبات اجتماعی در سطح خانوادگی و اجتماعی ایفا کند؛ چرا که اصلاح رابطه با خدا که اصلاح رابطه با خود، دیگران و طبیعت را نیز به همراه خواهد داشت، در تربیت اجتماعی عنصری کلیدی است و به آن جهت خواهد داد.

یکی از موارد اساسی که این مجموعه به آن توجه ویژه‌ای داشته است و آن را از مؤلفه‌های اصلی و اساسی تربیت اجتماعی می‌داند، آمادگی دانش‌آموز برای زندگی خانوادگی است. از این رو تأکید شده است که در تربیت رسمی و عمومی صرف نظر از تأکید بر شایستگی‌های پایه (عواملی که به تقویت نهاد خانواده منجر می‌شوند و از لوازم استحکام خانواده محسوب می‌گردند) به نقش‌های جنسیتی مانند نقش پدری و نقش مادری نیز توجه جدی می‌شود.

البته در سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت در طبقه‌بندی که از ابعاد تربیت به عمل آمده است، تربیت اجتماعی و سیاسی به‌عنوان یکی از ابعاد تربیت در کنار هم قرار گرفته‌اند، در جست‌وجوی دلیل این امر می‌توان گفت اگر برای انسان ابعادی قائل باشیم و براساس مبانی فطرت انسان را تحلیل نماییم انسان دارای فطریاتی همچون «مدنی الطبع بودن است». اجتماعی بودن و مدنیت از ابعاد وجودی انسان است و تربیت سیاسی به این بعد مربوط است. بعد اجتماعی انسان شئون گسترده‌ای دارد که از جمله آنها می‌توان به ابعاد خانوادگی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی و... اشاره کرد.

در مبانی نظری تحول بنیادین تعلیم و تربیت، مبانی، اهداف و اصول به‌طورکلی مورد بحث قرار گرفته است، حال اگر مخاطب اولیه این سند برنامه‌ریزان کتاب‌های درسی باشند، نکته مهم چگونگی پیاده‌سازی این اصول و اهداف در کتاب‌های درسی است. مسئله و چالش دیگر فهم و تفسیر معلمان به‌عنوان دیگر مخاطبان این سند است. چالش اینجاست که اگر معلّمی خواننده این سند باشد چگونه می‌تواند این اصول را در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان خود پیاده کند؛ از این رو به نظر می‌رسد هر کسی براساس برداشت خود از این مفاهیم به عمل دست خواهد زد.

چنانچه علاقه‌بند بیان می‌کند، اهداف آموزشی غالباً به صورت کلی و مبهم بیان می‌شوند و دقت و صراحت لازم برای تبدیل شدن به برنامه‌های دقیق عملیاتی را ندارند. به همین دلیل برنامه‌ریزی‌های آموزشی با مشکلات و دشواری‌هایی مواجه می‌شوند. مسئله دیگری که در اجرای اهداف وجود دارد این است که اجراکنندگان اهداف اعم از مدیران، معلمان و کارکنان آموزشی تفسیرهای متفاوتی از اهداف دارند؛ چرا که تعریف دقیقی از اهداف وجود ندارد (علاقه‌بند، ۱۳۸۲).

#### ب) دیدگاه معلمان نسبت به تربیت اجتماعی

برای جمع‌آوری داده‌ها در این قسمت که مربوط به فهم تربیت اجتماعی از دیدگاه معلمان است پژوهشگران با ۲۰ نفر از معلمان ناحیه ۲ شهر شیراز، به صورت هدفمند مصاحبه انجام داده‌اند. در انتخاب معلمان برای مصاحبه از معلمان مصاحبه‌ها به عمل آمده است که نقش آنان در تربیت اجتماعی بارزتر بود. پژوهشگران در ابتدا مصاحبه‌ها را ضبط نموده و سپس تمام متن مصاحبه‌ها را بدون حذف کوچک‌ترین نکته به صورت نوشتاری درآوردند و بعد از آن کار تحلیل مصاحبه‌ها را دنبال کردند. سپس نکات کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش از متن مصاحبه‌ها به شیوه کدگذاری باز بیرون کشیده شد و کدهای مربوط به هر نکته تعیین شدند. در مرحله بعد با کنار هم قرار دادن



نکات کلیدی و مقایسه مستمر آنها مفاهیم اولیه شکل گرفتند. سپس با استفاده از روش کدگذاری محوری مقوله‌های مرکزی تعیین گردیدند. بعد از انجام این مراحل پژوهشگران با تکیه بر مقوله‌های به دست آمده درصدد تفسیر دیدگاه معلمان در رابطه با تربیت اجتماعی برآمدند. بعد از بازبینی داده‌ها و با مقایسه مستمر آنها و همچنین با روش کدگذاری محوری «فرایند مرتبط نمودن مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی‌تر» (ایمان، ۱۳۹۰)، نکات مشترک و مشابه در یک طبقه‌بندی بزرگتر و جامع‌تر به نام مفاهیم<sup>۱</sup> قرار گرفتند. بعد از اینکه در روند کدگذاری باز، داده‌ها به مفاهیم و طبقه‌بندی‌ها تقسیم می‌شوند، کدگذاری محوری، آنها را به سمت هم می‌کشاند تا ارتباط آنها و طبقه‌بندی‌ها و زیرطبقه‌بندی‌ها را در شکل جدیدی نشان دهد. بعد از استخراج مفاهیم از نکات کلیدی، پژوهشگران با مقایسه مستمر مفاهیم به مقوله‌های مرکزی زیر دست یافتند. در جدول شماره ۲ مثال‌هایی از نکات کلیدی مستخرج از متن مصاحبه‌ها در ستون اول و مفاهیم استخراج شده از آنها در ستون دوم و مقوله‌های مرکزی در ستون سوم خلاصه شده است. در جدول جهت اختصار به جای کلمه نکته از حرف (ن) و به جای کلمه مصاحبه از حرف (م) استفاده شده است.

جدول ۲: استخراج مقوله‌های مرکزی از مفاهیم و نکات کلیدی

مقوله مرکزی	مفاهیم	نکات کلیدی مستخرج از متن مصاحبه
مهارت‌های اجتماعی	مهارت‌های ارتباطی	در برخورد با دیگران خوش‌رو باشد (ن۱م۵). بداند که با هر کس چگونه برخورد مناسب داشته باشد (ن۱۲م۱). در روابط با دیگران عفو گذشت داشته باشد (ن۴م۲).
	مسئولیت‌پذیری	فرد نسبت به اموری که به او محول می‌شود احساس مسئولیت کند (ن۱م۱). فرد نسبت به دوستان خود متعهد و مسئول باشد (ن۹م۲).
	جرأت‌ورزی	توانایی بیان نظر خود را در جمع داشته باشد (ن۷م۲). توانایی ابراز وجود در جمع را داشته باشد (ن۸م۱). دانش‌آموز بتواند خواسته‌های منطقی خود را بدون کم‌رویی در جمع ابراز کند (ن۹م۴).
	همکاری	در انجام کارها چه با اعضای خانواده و چه با دوستان و اطرافیان همکاری داشته باشد (ن۳م۳). در انجام امور با اطرافیانش همکاری داشته باشد (ن۴م۳). معلم می‌تواند با گروه‌بندی دانش‌آموزان در فعالیت‌های کلاسی زمینه مهارت همکاری کردن یا دیگران را فراهم سازد (ن۵م۵).
	سازگاری	فرد بتواند متناسب با هر موقعیت رفتار مناسبی داشته باشد (ن۱م۴). توانایی سازگاری با دوستان و اطرافیان (ن۳م۴).
درونی‌شدن رفتار در تربیت اجتماعی	مفاهیم مربوط به نقش اخلاق	معلم اصول اخلاقی مربوط به هر رفتار اجتماعی را به دانش‌آموز آموزش دهد تا دانش‌آموز در پرتو اخلاق رفتار اجتماعی را انجام دهد (ن۵م۶).
	مفاهیم مربوط به نقش آگاهی	دانش‌آموز خودجوش به خواسته‌های اجتماعی پاسخ دهد و معلم حالت اجبار و تحکم در پذیرش هنجارها نداشته باشد (ن۱۲م۵).

مقاله مرکزی	مفاهیم	نکات کلیدی مستخرج از متن مصاحبه
روش‌های تربیت اجتماعی	مفاهیم مربوط به کار گروهی	معلم می‌تواند با گروه‌بندی دانش‌آموزان در فعالیت‌های کلاسی زمینه مهارت همکاری کردن با دیگران را فراهم سازد (ن ۵م۵).
	مفاهیم مربوط به نقش الگو	معلم با قرار دادن خود به عنوان الگو رفتار مناسب اجتماعی را به دانش‌آموز یاد دهد (ن ۴م۶).
پذیرش هنجارها	مفاهیم مربوط به پذیرش و رعایت هنجارها و قوانین	هنجارها و قوانین موجود در جامعه را بپذیرد و عمل کند (ن ۱م۲). دانش‌آموز با آداب‌های اجتماعی مربوط به هر محیط آشنا شود (ن ۵م۲).

با توجه به جدول شماره ۲ می‌توان دیدگاه معلمان را از تربیت اجتماعی در چهار مقوله کلی:

۱. تربیت اجتماعی به معنای کسب مهارت‌های اجتماعی؛ ۲. تأکید بر پذیرش هنجارها و قوانین جامعه از سوی دانش‌آموز؛ ۳. توجه به درونی‌شدن رفتارها در تربیت اجتماعی؛ و ۴. روش‌های معلمان در تربیت اجتماعی خلاصه نمود.

### ۱. تربیت اجتماعی به معنای کسب مهارت‌های اجتماعی

نتایج پژوهش در رابطه با تعریف معلمان از تربیت اجتماعی نشان می‌دهد که آنها تربیت اجتماعی را به معنای بر خوردار بودن فرد از مهارت‌های اجتماعی می‌دانند. از نگاه معلمان این مهارت‌ها عبارت‌اند از همکاری، مسئولیت‌پذیری، جرأت‌ورزی و مهارت‌های ارتباطی و سازگاری. اکثر معلمان در تعریفی که از تربیت اجتماعی دارند در ابتدا نظرشان به سمت مهارت‌های اجتماعی می‌رود. در واقع برداشت آنها از تربیت اجتماعی، تربیتی است که در آن به رشد دادن مهارت‌های اجتماعی و از جمله مهارت‌های ارتباطی توجه می‌شود.

### ۲. تأکید بر پذیرش هنجارها و قوانین جامعه از سوی دانش‌آموز

معلمان عقیده دارند، دانش‌آموزی را می‌توان از نظر اجتماعی رشد یافته دانست که آنچه را که در محیط‌های اجتماعی به‌عنوان قانون شناخته شده است و آنچه را که به‌عنوان هنجار یا الگو در جامعه شناخته می‌شود رعایت کند.

### ۳. توجه به درونی‌شدن رفتارها در تربیت اجتماعی

برخی از معلمان عقیده دارند اگر بخواهیم هنجارها و رفتارهای مورد پذیرش جامعه در دانش‌آموز درونی شود و او خودجوش به سمت انجام آن برود باید به دو نکته در تربیت اجتماعی توجه شود: اول اینکه تلاش نشود جهت ایجاد رفتارهای جدید و یا گسترش آن رفتارها در دانش‌آموز به

صرف تشویق و تنبیه اکتفا شود، زیرا احتمال اینکه دانش آموز در انجام رفتارهای اجتماعی به پاداش متوسل شود زیاد است و در این صورت نمی توان انتظار داشت رفتارها در دانش آموز درونی شود؛ دوم اینکه در تربیت اجتماعی دانش آموزان، آنان را با پیامدهای رفتارهای مطلوب اجتماعی آشنا سازیم؛ سوم اینکه معلمان در تربیت اجتماعی نقش اخلاق را مهم دانسته اند. آنها از اخلاق به عنوان ابزاری که توانایی درونی سازی رفتارها را دارد یاد می کنند. مصاحبه شوندگان عقیده دارند اگر افراد در مورد انجام رفتارها به رشد اخلاقی رسیده باشند و هدف انجام رفتار را رعایت اخلاق قرار دهند، انجام رفتارهای اجتماعی برای آنها درونی می شود.

#### ۴. روش های معلمان در تربیت اجتماعی

تحلیل یافته ها نشان می دهد معلمان در تربیت اجتماعی بیشتر به نقش الگو اشاره دارند و تعدادی از آنها بر روش کار گروهی نظر دارند.

در روش الگویی معلمان عقیده دارند چون دانش آموزان رفتار معلمان خود را زیر نظر دارند و در رفتارها، از آنها الگوبرداری می کنند، بنابراین معلم باید مراقب رفتار خود در کلاس باشد. آنان عقیده دارند که اگر قصد ایجاد رفتار مطلوبی در دانش آموز دارند می توانند به شیوه ای آگاهانه آن رفتار را در خود نشان دهند تا دانش آموز به عنوان الگو از آن پیروی کند. معلمان عقیده دارند با گروه بندی دانش آموزان در کلاس های درسی می توانند آنها را با بسیاری از مهارت های اجتماعی آشنا سازند.

#### بحث و نتیجه گیری

تربیت اجتماعی فرایندی است که راه های زندگی در جامعه را به انسان می آموزد. رشد اجتماعی پایه و اساس زندگی اجتماعی است که شامل سازگاری با افراد، تا حدی کوشش برای انجام انتظارات افراد، تقویت روحیه همکاری، روشن بینی در برخورد با افکار و عقاید مختلف، رغبت برای انجام کارهای جمعی، قبول مسئولیت در کارهای جمعی، تمایل معاشرت با دیگران، و احترام به عقاید دیگران است (شریعتمداری، ۱۳۹۴، ص ۸۲). از نقش بنیادین و اولیه خانواده در تربیت اجتماعی، می توان به نقش مهم نظام آموزش و پرورش افراد اشاره کرد. در واقع نظام آموزش و پرورش هر کشور، مجموعه تدابیر سازمان یافته ای است که امکانات بالقوه آدمیان را تحقق می بخشد و شرایط مناسبی را در قالب برنامه ها و فرصت های آموزشی در اختیار فراگیران قرار می دهد تا بتوانند با سرمایه های فرهنگی و تجربه های پیشین آشنا شوند (حسینی نسب و دهقانی، ۱۳۸۷).

مبانی نظری و فلسفه تربیت در هر نظام تربیتی با تبیین چرایی، چیستی و چگونگی تربیت، در حقیقت نقشه راه کلی آن نظام تربیتی را پیش روی عاملان تربیت قرار می‌دهد. برنامه‌ریزان درسی و مؤلفان کتب درسی و معلمان مخاطبان اصلی مبانی نظری و فلسفه تربیت هستند. چنانچه در یک نظام تربیتی بین این عوامل یعنی مبانی نظری و فلسفی، مؤلفان کتب درسی و معلمان تلامذ و هماهنگی وجود داشته باشد، میزان توفیق آن نظام بالاتر خواهد بود. پژوهش حاضر بر پایه بررسی دیدگاه‌های افرادی که در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان در نظام آموزش و پرورش نقش اصلی دارند صورت گرفته است. دیدگاه معلمان و سیاست‌گذاران تدوین‌کننده سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. الف) در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش چه اهداف و جایگاهی برای تربیت اجتماعی در نظر گرفته شده است؟ ب) معلمان تا چه اندازه به اهمیت نقش خود به عنوان عاملان تربیت اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس آگاهی دارند و چه درکی از مفهوم تربیت اجتماعی و کارکردهای متفاوت آن دارند؟

در پاسخ به پرسش اول پژوهش می‌توان اظهار داشت که تربیت اجتماعی از منظر مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا شهروندانی فعال، آگاه و مشارکت‌جو در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی باشند. در این سند به درک مفاهیم اجتماعی و سیاسی و احترام به قانون و اندیشه‌ورزی در آنها، شایسته‌شدن دانش‌آموز در رویارویی مسئولانه و خردمندانه با تحولات اجتماعی، رعایت وحدت و تفاهم ملی، روحیه مسئولیت‌پذیری و تعالی‌خواهی و برخورداری از مهارت‌های ارتباطی، در حیات خانوادگی و اجتماعی با رعایت اصول برگرفته از نظام معیار اسلامی، توجه شده است. در این سند، وضع مطلوبی دستیابی به جامعه صالحی است که مظهر تحقق بعد اجتماعی حیات طیبه است که در آن ارتباط میان اعضای جامعه به ارزش‌های انسانی و اخلاقی، معرفت، محبت، و اطاعت از خدا معطوف است.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش نیز می‌توان اظهار داشت که معلمان تربیت اجتماعی را به معنای برخورداری فرد از مهارت‌های اجتماعی می‌دانند. از دید معلمان این مهارت‌ها عبارت‌اند از مهارت‌های همکاری، مسئولیت‌پذیری، جرأت‌ورزی و مهارت‌های ارتباطی و سازگاری.

در معرفی دیدگاه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و دیدگاه معلمان در خصوص تربیت اجتماعی می‌توان گفت بین دو دیدگاه مطرح شده در حدود و قلمرویی که برای تربیت اجتماعی قائل شده‌اند اشتراکاتی دیده می‌شود. در هر دو دیدگاه به پرورش مهارت‌های ارتباطی، رعایت

هنجارها و قوانین توجه شده است. بررسی دیدگاه معلمان نشان می‌دهد که فهم و نگاه آنان به تربیت اجتماعی هماهنگی و تناظر منسجمی با قلمرو، رویکرد و اهداف این ساحت تربیتی در سند تحول بنیادین نظام تعلیم تربیت ندارد. براساس یافته‌های پژوهش و همچنین از باهم‌نگری مصاحبه‌ها می‌توان دریافت که فهم و نگاه معلمان نسبت به تربیت اجتماعی نه براساس قلمرو، رویکرد و اهداف و اصول مبانی نظری تحول که نگاهی است براساس تجربه شخصی و مطالعاتی که آنان در این زمینه داشته‌اند و این نشان‌دهنده کم‌توجهی نظام تعلیم و تربیت به آموزش اصولی مفاهیم تربیت اجتماعی با تکیه بر سند تحول بنیادین در تربیت معلمان است که بایستی این مهم مورد توجه جدی برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت قرار بگیرد. با برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان و دبیران علوم اجتماعی و بازنگری در سرفصل‌های دروس دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان می‌توان زمینه فهم مشترک بین دیدگاه مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزان درسی، مؤلفان کتب درسی و معلمان که مجریان اصلی این ساحت از تربیت هستند را فراهم کرد.

در پایان، پیشنهاد می‌شود بر مبنای قلمرو، رویکرد و اهداف ساحت تربیت اجتماعی از منظر مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت، اصول و شیوه‌های تربیت اجتماعی استخراج شود. همچنین پیشنهاد می‌شود تمایل و یا عدم‌تمایل معلمان نسبت به بهره‌گیری از اهداف، رویکردها و اصول مبانی نظری تحول بنیادین در پژوهشی جداگانه آسیب‌شناسی شود. همچنین مقایسه تطبیقی بین چگونگی تربیت اجتماعی در ایران و کشورهای مختلف از دیگر پیشنهاد‌های این پژوهش است.

## منابع

۱. آگ‌برن و نیم‌کف، می‌یر. اف. (۱۳۸۱)، زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس، امیرحسین آریان‌پور، تهران: چاپ شرکت سهامی اسفت.
۲. احمدی، اسلام (۱۳۸۷)، «تربیت اجتماعی از دیدگاه سعدی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
۳. ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰)، مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. بهشتی، سعید و محمدعلی افخمی‌اردکانی (۱۳۸۶)، «تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج‌البلاغه»، نشریه تربیت اسلامی، ش ۴، ص ۷-۴۰.
۵. حسینی‌نسب، سیدداوود و مرضیه دهقانی (۱۳۸۷)، «تحلیل محتوای کتب تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی براساس مهارت‌های اجتماعی و بررسی دیدگاه‌های دبیران این دوره»، فصل‌نامه تعلیم و تربیت، ص ۷۹-۹۸.
۶. دهقانی، مرضیه و مقصود امین‌خندقی (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر وضعیت موجود طراحی برنامه درسی تربیت اجتماعی دوره راهنمایی بر مبنای تحلیل محتوای کتاب‌های درسی و اسناد مرتبط برنامه درسی»، پژوهش‌های برنامه درسی انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، ش ۲، ص ۱۳۱-۱۷۶.
۷. رابرتسون، یان (۱۳۷۴)، درآمدی بر جامعه، چ ۲، ترجمه حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۸. شریعتمداری، علی (۱۳۶۵)، جامعه و تعلیم و تربیت، تهران: امیرکبیر.
۹. صالحی، محسن (۱۳۸۰)، «آسیب‌شناسی روش‌های تربیت (جامعه‌پذیری) دینی در نظام آموزش و پرورش»، خلاصه مقاله‌های همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی، ص ۱۰۹-۱۱۰.
۱۰. عابدی، منیره و نیلی، محمدرضا (۱۳۹۲). «بررسی تحلیلی اهداف تربیت اجتماعی آموزش و پرورش ایران و مقایسه آن با دیدگاه‌های علامه طباطبایی»، تربیت اسلامی، دوره ۸، شماره ۱۶: ۷۹-۱۰۰.
۱۱. علاقه‌بند، علی (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر روان.
۱۲. فاتحی‌زاده، مریم؛ احمدرضا نصرافهانی و فاطمه فتحی (۱۳۸۴)، «بررسی کیفی عملکرد دبیرستان در ایجاد و پرورش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان»، مجله روان‌شناسی، ش ۲، ص ۲۳-۳۶.

۱۳. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۷۵)، «کارکرد نظام آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی کودکان و ارتباط آن با توسعه فرهنگی و اجتماعی»، ماهانه رشد معلم، ش ۱۱۹، ص ۲۲-۲۵.
۱۴. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۴). «آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی»، فصلنامه پژوهش‌های تربیت اسلامی، ش ۱، ص ۴۷-۸۲.
۱۵. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱).
۱۶. مرزوقی، رحمت‌اله و عباس اناری‌نژاد (۱۳۸۶)، «تربیت اجتماعی از منظر نهج‌البلاغه»، نشریه تربیت اسلامی، دوره ۲، ش ۴، ص ۱۶۳-۱۹۲.
۱۷. مزیدی، محمد (۱۳۸۵)، «مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و تحلیل کیفی داده‌ها» جزوه درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز.
۱۸. ملا سلیمانی، فرشته؛ علی قائمی و سعید بهشتی (۱۳۸۹) «بررسی مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاد در صحیفه سجادیه»، روان‌شناسی تربیتی، ش ۱۷، ص ۱۱۹-۱۴۶.
۱۹. نصرافهانی، احمدرضا؛ مریم فاتحی‌زاده، و فاطمه فتحی (۱۳۸۳)، «جایگاه مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز دانش‌آموزان در کتاب‌های درسی عمومی دوره متوسطه»، دانشور رفتار (ویژه نامه مقالات علوم تربیتی)، ش ۹، ص ۴۹-۶۴.
۲۰. هاشمی، سیداحمد (۱۳۸۹)، «بررسی میزان استفاده از مفاهیم تربیت شهروندی در محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی از دیدگاه دبیران»، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزش، ش ۴، ص ۱۴۱-۱۶۰.
21. Creswell. John W. (1994), *Research Desig Qualitative & Quantitative Approaches*. London: Sage Publicans.
22. Maykut, p & morehouse, r. (1994), *Beginning qualitative research: aphilosophic and practical guide*. London: the farmler press.